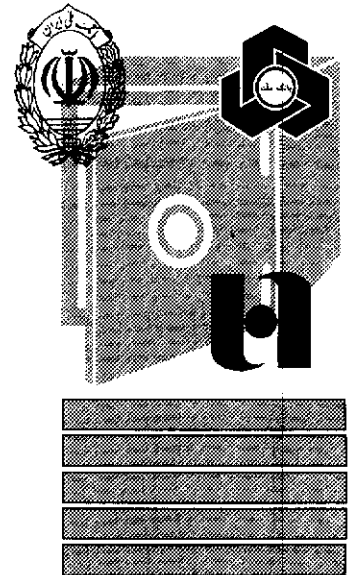


بانکداری



سیستم‌های جدید اعتباری بجای بانکداری سنتی

قسمت دوم

ترجمه و اقتباس از: فریده تذهیبی

عملیات بانکی بدون بانک

این امر کفایت‌ناپذیر است. بانکداری از بین هم‌اکنون گرفتار سقوط نهائی است. مورد بحث است. خدمات مالی بقول اقتصاددانان "تولید برتر" است. به عبارت دیگر درخواست برای خدمات مالی برخلاف مثلاً "تقاضای

سبب زمینی، با ثروتمند تر شدن جوامع افزایش می‌یابد. بنابراین با ورود کشورهای ثروتمند و پرمجموعیت کنونی به دور میانسالی، ثروتهای شخصی که در نیال فرصتهای سرمایه‌گذاری هستند در روند افزایش شدید است. اگر شما بانکدار هستید این از مزایای معمولی است که به شما تسلی می‌بخشد. تنها عیب قضیه اینست که بانکداری تنها

یکی از انواع خدمات مالی است. نوعی که با وجود رقبای زیاد سرعت زمینهای خود را از دست می‌دهد.

علت بروز این رویدادها دلایل معمولی نیست. بانکها بدلیل این که با رقبای زرنگ‌تر و قابل قبول‌تری مواجه‌اند در زحمت نیستند بلکه علت اصلی مشکلات آنها اینست که خدمات عرفی ارائه شده توسط آنها دیگر خواستاری ندارد. بانکها بطور سنتی دو وظیفه را انجام می‌دهند: از پس انداز کنندگان سپرده دریافت می‌کنند و به استناد آن سپرده‌ها را از سرمایه‌وام می‌دهند. ارقامی که در ترازنا مهم‌ترین در ستون بدهی و دارائی منعکس می‌شود، اکنون سالهاست که هر دو ستون ترازنا معزیز ضریب رقابتی قرار گرفته است.

در قسمت بدهی، تعداد زیادی سرمایه‌گذار امریکائی در مقابل سپرده‌های بانکی خود پول گرفته‌اند. در "صندوقهای سرمایه‌گذاری" سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این صندوقها که مستقیماً "پول سرمایه‌گذاران را در بازار پول، اوراق بهادار و سهام بکار می‌اندازند" اکنون حدود دو هزار میلیارد دلار دارائی دارند، که از ۲۷۷ هزار میلیارد دلاری که بانکهای امریکا در حسابهای سپرده خود نگهداری می‌کنند خیلی کمتر نیست. بزرگترین صندوق سرمایه‌گذاری امریکا فیدلیتی (fidelity) حدود ۲۰۰ میلیارد دلار زیر نگین دارد و این مبلغ از میزان سپرده‌ها با بانک امریکائی بیشتر است.

بعضی از بانکداران، امیدوارند که وضعیت فعلی یک‌حالت‌گذاران باشد و انتظار دارند که نرخ بهره‌ها بالا یا وضعیت فاجعه‌آمیز بورس، بسیاری از فراریان سیستم بانکی را تدریجاً "به سپرده‌گذاری مطمئن در بانکها بازگرداند". اما صندوقهای سرمایه‌گذاری در قسمت

خدمات مالی خانوارها سهم عمده‌ای را داراست: ۲۸ درصد خانواده‌ها هم‌اکنون دارای صندوق سرمایه‌گذاری هستند که در مقایسه با رقم ۶ درصد در سال ۱۹۸۰ رقم بالائی است. بیست سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ سهم دارائی خانوارها که در بانکها سپرده‌گذاری شد، حدود ۴۶ درصد به ۳۸ درصد کاهش یافت.

در حال حاضر تنها سپرده‌گذاران نیستند که از بانکها دوری می‌جویند بلکه وام‌گیرندگان نیز همین بیوفائی را نشان می‌دهند. فقط گاهی شرکتها بی‌کمی سرمایه‌مینیاز دارند بنحو خودکار به بانکها رجوع می‌کنند. اما امروزه تعداد زیادی از شرکتها می‌خواهند سرمایه‌های خود را در بازار کسب کنند. در سال ۱۹۷۰ سرمایه‌مینیاز می‌کنند. در سال ۱۹۷۰ میزان وام‌های کوتاه مدت در بانکها به شرکتها غیر مالی به ۶۵ درصد کل وامهای تجاری می‌رسید. این نسبت در مورد وامهای بلندمدت کمتر است. ابتداءً تنها شرکتها بسیار معتبر می‌توانستند با انتشار اوراق تجاری سرمایه‌های خود را از بازار آوند اما این روش در طیف مسائل اعتباری بسیار بی‌حرفی در نور دید شد و هر روز بیشتر مشتریان خوب بانکها را می‌ریزاند.

چه چیزی در روی آوردن نزولی شدید وام‌دهی توسط سیستم بانکی نهفته است؟ زمانی که بانکها اطلاعات مربوط به وام‌گیرندگان را مخفی نگاه می‌داشتند و بنا بر این خطری که از وام‌دهی به آنها ناشی می‌شد نپوشید بود. اما امروزه کامپیوترها بیشتر این اطلاعات را از زبان در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهند و دیگر نیاز نیست برای کسب این اطلاعات به

بانک مراجع‌شود. در عین حال تغییر روش در تکنولوژی اطلاعاتی تغییراتی در تکنولوژی مالی نیز ایجاد کرده است. روش و تکنولوژی که بیش از همه به موقعیت بانکها زبان وارد آورده است روشی است که به "ایمن سازی" مشهور است.

این روش شامل تغییر شکل بدیهی‌ها و دارایی‌های فردی به یکجا بازمالی است کمی توان بعداً "بهم متصل" شد و در بازار مالی مورد معامله قرار گیرد. کارشناسان متخصص بانکی عقیده دارند "ایمن سازی" بیش از یک ابزار جدید مالی است و این روش مؤثرتر و کارآتر از روشهای معمول بانکی عمل می‌کند.

چرا؟ محاسبه قلام و ام در تراژنانه بانکها گران تمام می‌شود. بانکها باید برای احتمال عدم بازپرداخت بموقع وامها آمادگی داشته باشند. نظاربانکی اصرار دارند که در مقابل پرداخت هر وام میلی از سرمایه به عنوان ذخیره نگاه داشته شود. علاوه بر این بسیاری از دولتها فکر کرده اند که برای اجتناب از خطر سپردن گذاری در بانکها، سپرده‌های پس انداز را آشکارا پنهانی ضمانت کنند. این امر هزینه دیگری را که حق بیمه سپرده‌هاست به سیستم بانکی اضافه می‌کند. و بالاخره همه جا بانکها باید هزینه‌هایی را برای تطبیق با مقررات مختلف دولت بپردازند.

اوراق بهادار همه این بارگران را جذب نمی‌کند. بر اساس محاسبات انجام شده کل هزینه حق العمل کاری یک ورقه بهادار روی طول مدت دارایی زیر بنیم درصد است. در مقابل، حق العمل بانک در همین مورد به بسالای دو درصد می‌رسد و علاوه بر آن اوراق بهادار برخلاف وامی که توسط بانک پرداخت می‌شود نقد هستند و ارزش آنها

می‌تواند ثابت شود. اوراق بهادار نسبتاً باراده دارند و آن می‌تواند مورد داد و ستد قرار گیرد بنحویکه دارندگان آن قادرند ریسکی را که در معرض آن قرار دارند تغییر دهند. بسیاری از اشکال خدمات مالی هم اکنون به همین طریق "ایمن" شده است. فرایند معمول وام‌گیری تغییر زیادی کرده و فراتر از انواع قرضه دولتی یا اوراق تجاری رفته است. بازارهای مالی دست دوم نیز ایجاد شده اند و در این بازار تعدادی از بهدیهها مانند بازپرداختهای رهن، دریا فتهای مربوط به کارتهای اعتباری و قروض جهان سوم خرید و فروش می‌شود. زمانی این طور بنظر میرسید که وامهای کوچک تجاری و صنعتی دارای همگونی کافی برای وابسته شدن بیکدیگر و نرخ گذاری هماهنگ نیستند. در حالی که اکنون این نوع وامها نیز "ایمن" می‌شوند بنظری رسد روش شروع شد مغیر قابل توقف است. یکی از کارشناسان خدمات مالی عقیده دارد که پس از این تمام انواع ادعاهای بیمه نیز "ایمن" خواهند شد.

مزایای ایمن سازی "نتیجه تصمیمهای اخیر نظاربانکی است. در چند سال گذشته به بانکها توصیه شده است که میزان سرمایه ذخیره در مقابل وامها را افزایش دهند (کفایت سرمایه) کمیته نظارتی بین المللی (۶) در تصمیمهای سال ۱۹۸۸ خود حد کفایت سرمایه را ۸۰ درصد تعیین کرده است. از نظر نظاربانکی مزیت استانداردهای دقیق تر و متحد و ترجیحاً دوجانبه است. هر چه بانک مجبور به نگهداری حد بالاتری از کفایت سرمایه می‌شود در صورت عدم بازپرداخت وامها، حد بالاتری از امنیت دارد و این

امر بنوبه خود احتمال سقوط بانک را کاهش می‌دهد و برای دولت نیز هزینه ضمانت در مقابل افرادی را که قبول خود را در بانک سپرده گذاری کرده اند کاهش می‌دهد.

مزیت دوم استاندارد کردن حد کفایت سرمایه اینست که رقابت بین المللی برای بانکها را نسبت به زمانی که حد کفایت سرمایه در کشورهای مختلف بسیار متغیر بود، در شرایط عادلانه تری قرار می‌دهد. اما به رغم استانداردهای جدید، ناها همگونی حد کفایت سرمایه در کشورهای مختلف باقی ماند است. مقامات نظارتی آمریکا که از تحمیل هزینه زیاد بردوش مالیات دهندگان بخاطر تضمین مؤسسه‌های سپرده و وام در سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۱ تأذیب شده اند، استانداردهای خشن تری از آنچه در کمیته‌ها ل تصمیم گرفته شد مبرقرار کرده اند. بر اساس قانون سال ۱۹۹۱ بانکها حد کفایت سرمایه را با ایستای معادل ۱۰ درصد نگاه دارند.

بهر حال باید اذعان داشت که در همه کشورها مقامات نظارتی مایلند بانکها حد کفایت سرمایه را بالاتر نگه دارند و خطر لغزش را کاهش دهند در حالی که بانکها از این مقررات متنفرند زیرا میزان بازگشت سرمایه آنها را کاهش می‌دهد. همین امر یکی از مزایای مهمی است که مؤسسه‌های رقیب بانکها دارند زیرا می‌توانند بدون کنار گذاشتن مقدار زیادی سرمایه وام بدهند. مؤسسه‌های مالی غیر بانکی می‌توانند در قسمت ترانزا مشد با "با بانکها رقابت نمایند. اگر حمله دوجانبه بر ترانزا میان بانکها باشد تا فعلی ادعا می‌باید چینی شود؟ نمودم دهند موه‌ها مگیرند موه‌ها ننتها برای هامت خو بست. اگر شما بانک باشید، اتخاذ این روش زیاد خوشایند

نیست زیرا که منظور شما در زندگی بانکی انتقال نقد بانکی سپرده‌ها به وام‌هاست. مثلاً "کسی برای ساخت کارخانه احتیاج به پس انداز من در حساب بانکی ام دارد. حال اگر این شخص مستقیماً پس انداز شخص دیگری را بگیرد و در مقابل آن سهمی از شرکتش را بیاورد یا وثیقه مورد اعتماد دیگری در اختیارش بگذارد دیگر احتیاج به واسطه‌ای که "بانک" خوانده شود نیست. آنوقت هیئت مدیره میانکها از بیگاری خمیازه خواهند کشید. روش حذف واسطه‌ها مسائل تأمین مالی بسرعت ادامه می‌یابد و آنچه موضوع را بیشتر جدی می‌کند اینست که بانکها بانداز هر قباشان برای نشان دادن - عکس العمل به این تغییر شدیدا آزادی ندارند. این درست بخاطر اینست که دولتها بانکها را بخاطر حفظ منافعی خودشان خاص یا خیلی خاص در نظر می‌گیرند.

تبدیل چتر حمایتی مقررات به دام مرگ

مزیتی که روزی باعث حمایت بانکها میشد حالا گلوله آنها را می‌فشارد. توماس استانتون یکی از اساتید دانشگاه جانزهاپکینز بالتیمور، در کتاب جدید خود موسوم به:

"Global RISK Based Capital Regulations"

استدلال میکند که بانکها و مؤسسه‌های مشابه را چوب قانونی خاص دارند. استانتون بانکها را مؤسسه‌های مرگانتیلیست می‌خواند زیرا آنها تحت چارتهایی عمل می‌کنند که آثار دور مرگانتیلیست را و پرا دارد. عموماً "بانکها در آمریکا شرکتهای

خصوصی هستند که با جارت و طرز عمل قانون فدرال در خدمت مقاصد خاص عمومی قرار دارند.

استاد دانشگاه مذکور عقیده دارد بانکها برای مدت زمانی با وجود ضوابط موافق در مقابل رقابت جدی حمایت می‌شوند اما بهر حال با حصول تکنولوژی و قوای بازاری سهم خود را از دست می‌دهند زیرا قادر به ارائه خدمات جدیدی که مبین رقابت آنها توسعه یافته است نیستند.

هنگامی که بانکها بدلیل فشارهای مقرراتی از رقابتی خود ضربه می‌خورند ناچار برای کسب اجازات جدید جدید بعد ولت مرا جمع می‌کنند ولی معمولاً نمی‌توانند مجوزهای لازم را دریافت دارند اما اگر بعضی مجوزها با تاخیر هم صادر شود معمولاً "چتر حمایت مقرراتی تبدیل به دام مرگ می‌شود".

تاکنون اخذ سپرد هوا عطا می‌وام برای بانکهای امریکائی کنج‌مانی بود. آنها از حق انحصاری صدور چک پرداخت آن برای حسابهای سپرد همیشه شده برخوردار بودند و همین امر باعث آنها اجازت دسترسی فوری به منابع مالی را می‌داد و بهتر از آن اینکه نرخ پرداختی بابت استفاده از این منابع پایین بود.

بعد از جنگ جهانی دوم کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (OECD) برای نرخ بهره سپرده‌ها ضوابطی برقرار کردند با بانکها را مجاز نمودند که برای تقلیل رقابت روی نرخ بهره، آبراد و کارتل خود تا بست نگاهدارند. همه اینها کمک کرد که بانکها در مقابل بسیاری از رقابتها حمایت شوند.

اما مانع این حمایت در دو دهه گذشته روز و زوال رفت. تورم سالهای ۱۹۷۰ سرمایه‌گذاران را به جستجوی نرخهای بازگشت بالاتر برای پس اندازهای خود

رهنمون کرد. را محل آشکارا انتخاب صندوقهای سرمایه‌گذاری در بازار پول بود که ترکیبی از راحتی سیستم بانکی و پرداخت نرخهای بالاتر (از آنچه راکه بانکها با ضوابط مقرراتی ارائه می‌دادند) را داشت. قانون معروف بانکی ۱۹۳۳ بنام Glass-steagal بانکها را از صنعت اوراق بهادار خارج کرده و اجباراً "بانکهای تجاری و سرمایه‌گذاری را مجزای نمود. سایر قوانین فدرال نیز دیواری بین صنعت بانکداری و صنعت بیمه کشید و بانکها را از ایجاد شعب فرامیزی ممنوع کرد.

وصف تشخیص بسیاری از مؤسسه‌های غیربانکی از بانکها بقدری مشکل است که بعضی از آکادمیسین‌ها آن را "سیستم بانکی موازی" می‌خوانند. این مؤسسه‌ها و امه‌های خود را با انتشار اوراقی که مستقیماً "از سرمایه‌گذاری خانوارها نشأت می‌گیرد تا مین مالی می‌کنند. اما مؤسسه‌های مذکور برخلاف بانکها تحت ضوابط قانونی که عوارض اجتماعی گران‌بها محدود و پشهای نوع فعالیت به آنها تحمیل کرده باشد نیستند.

تعجب آور نیست اگر بگوئیم که بانکها



سیستم موازی

از وجود این اختلافات تحلیلی می‌روند. مثلاً "گزارش اتحادیه بانکداران امریکائی با حسرت آزادیهائی را که مؤسسه پرودنشیال Prudential بزرگترین شرکت بیمه امریکا و مریل لینچ Merrill Lynch بزرگترین شرکت بورس دارد منعکس می‌کند. شکایت بانکداران اینست که "پرودنشیال" یک سازمان وسیع اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری به عنوان "پرودنشیال اینوستمنت" یک بانک بنام پرودنشیال بانک اند تراست کمپانی "ویک مؤسسه املاک بنام

بطور وضوح، تکنولوژی جدید کامپیوتری که رقم هزار میلیارد دلاری را در یک چشم بهم زدن از یک قاره صفا ره دیگر جابجا می‌کند، بسیاری از این محدودیتها را از بین می‌برد و یک فرصت استثنائی در اختیار رقابتی بانکها می‌گذارد. مؤسسه‌های غیربانکی در بسیاری از زمینه‌ها مانند تعهدات اوراق بهادار، واسطه‌گری املاک و... فعالیت می‌کنند که سروکار داشتن با آنها برای بانکهای امریکائی ممنوع است. با این

"پرودنشیال ریل استیت" دارد. با این ترتیب مؤسسه مذکور از طریق شبکه وسیع مؤسسه‌های وابسته اش می‌تواند عرضه‌کننده محصولات و خدمات بسیاری از قبیل سپرده‌های بیمه‌شد فدرال، خدمات کارتهای اعتباری، دلالتی اوراق بهادار و کالاها صندوقهای سرمایه‌گذاری، رهن و... باشد.

مریل لینچ بانک بنام "مریل لینچ بانک اند تراست کمپانی" دارد و خدماتی از قبیل تعهدات اوراق بهادار و دلالتی صندوقهای سرمایه‌گذاری، مدیریت نقدینگی، کارتهای اعتباری و وامتهای خرد و شرکتی ارائه می‌کند. سایر مؤسسه‌های وابسته اش وامهای خانگی و بیمه عمر انجام می‌دهند. هیچ بانکی در امریکا قدرت ارائه چنین محدوده وسیعی از خدمات را در کل کشور ندارد.

البته باید گفت مؤسسه‌های مالی تنها رقیب نیستند، شرکتهای صنعتی هم در زمین بانکها بازی می‌کنند. جنرال الکتریک نیز از وام‌دهندگان تجاری بزرگ است که در محدوده وسیعی از خدمات مالی با بانکها رقابت می‌کند. در میان سازندگان اتومبیل، فورد صاحب مؤسسه‌های "فورد فایننشال سرویس"، "فرست نیشن واید بانک"، "فورد موتور کردیت" و "یو.اس. لیسینگ" امریکا است. مؤسسه‌های فورد بین دموکراسی و سناول صادرکنندگان کارتهای اعتباری و یکی از بزرگترین رهن‌گیرندگان است. با این ترتیب ملاحظه می‌شود که بیش از نصف دریا فتنی‌های مالی این شرکتهای ربطی به خرید ماشین ندارد. جنرال موتورز صاحب GMAC یک مؤسسه خدمات مالی چند منظوره است این مؤسسه فعالیت بیمه‌ای دارد. کارتهای اعتباری توزیع می‌کند و در عین

حال مالک مو، سمسرونی GMAC است که یک مو، سمسرونی... بانکی پیشرو می باشد.

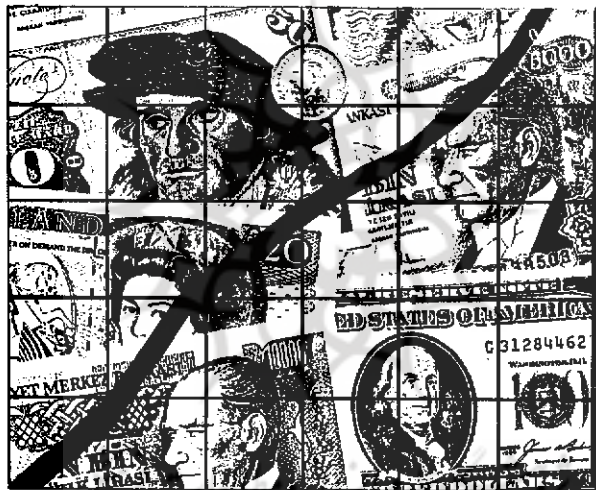
از بین رفتن تدریجی موانع بین بانکی و سایر شرکت های مالی تنها یک پدیده آمریکائی نیست. در کانادا، آسیای شرقی، بانکی، جداسازی بین بانکی... مو، سمسرونی و ام دی مو، سمسرونی بیمه را با جراحی گذارد، ما ست، بلژیک، تایلند، فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا، سوئیس، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، سوئد، سوئیس، بریتانیا، کبر و ایالات متحده تشکیل شده است. جلسات این کمیته معمولاً در بانک بین المللی تسویه (BIS) در نیویورک برگزار می شود.

در آمریکا سهم درآمدی که بانکیها می توانند از تعدد اوراق بانکیها در دست آورند بسیار محدود است. در بسیاری از کشورهای دیگر نیز بانکیها هنوز با الزامات کفایت سرمایه، الزامات اجتماعی و کنایه های قطور قوانین و مقرراتی که بایستی رعایت کنند، قدرت مانور زیادی ندارند. هزینه بانکیها برای تطبیق با چنین قوانینی بسیار زیاد است. مو، سمسرونی، بانک های آمریکا می توانند این هزینه را به ۱ میلیارد دلار اعلام می کند و بر اساس مطالعاتی که در سال ۱۹۹۲ توسط نظارت بانکی صورت گرفته تا این هزینه رقمی بین ۵/۷ تا ۱۷ میلیارد دلار می شود.

باید گفت که بانکیها در مقابل تهدیدات رقابتی بدون مقاومت نبودند و در نتیجه کوششهای مختلفی

که صورت گرفته جداسازی بین سیستم بانکی تجاری و سرمایه گذاری توسط قانون Glass-stegall هم اکنون بسختی در حال تعدیل است. قانون فدرال در سال ۱۹۸۳ د سناتور داد که بانکی می تواند مالک و عامل یک مو، سمسرونی نیز باشد. در سال ۱۹۸۶، دوهزار مو، سمسرونی به این عملیات دست زدند. سال بعد فدرال رزرو به چند بانک بزرگ اجازه داد که از طریق شعب فرعی مربوط به اوراق بانکیها در همه اوراق تجاری، اوراق سهام با پشتوانه وثیقه، اوراق سهام

حقوق بالا را در سازمانی که قدرت و مسئولیت واگذار می شود بکار گیرد. در حالی که بانکیها می توانند فعالیتهای خود را بانکی بنحویس فعال هستند دارای فرهنگ رسمی تری بود و در آنها بسیار مشکل است که بتوان سلسله مراتب اداری را از میان برداشت. بعضی از کارشناسان معتقدند که هیچ رابطه الزام آوری بین بانکیها و خود ر عمده وجود ندارد و در بعضی موارد ترکیب این دو نوع فعالیت مشکلات بسیار عظیمی را برای مدیریت آنها ایجاد می کند بنا بر این بهتر است بانکیها بین



درآمد شهادتی ها و اقساط بدهی مشتریان بپردازند. قبلاً این شعب فرعی در چنین فعالیتهای شرکت نداشتند و چنین تغییراتی در مورد سایر بانکیها که ترازنامه قوی دارند نیز در جریان است.

بانکیها در همه جای دنیا با این مساله پی برد دارند که بسیار مشکل می توان فعالیت های خود و کلان را در زیر یک سقف انجام دهند و در هر دو هم بدرخشند. یکی از دلایل این امر فرهنگی است. یک بانک خوب سرمایه گذاری و تجارت بایستی افراد مبتکر با

فعالیت های جداگانه خود فاصله بیشتری ایجاد نمایند و این امر شاید بوسیله دستمندی کردن این فعالیتها تحت ساختار "شرکت مادر" امکان پذیر باشد.

طبعاً "بانکیها انکار می کنند که قادر به درک زیربنای اقتصادی فعالیت های خود نیستند. رئیس برنامه ریزی استراتژیک "جیس منهایان بانک" می گوید که بانک وی برای تعدیل ریسک با گذشت فعالیت های مختلف خود مشخص نمودن سهم واقعی هر یک از آنها در میزان سود کلی بسیار کارآ تر شده است

و با این ترتیب بانکیها می توانند چپس حاضر به قبول این نکته که فعالیت های مختلف آنها برای یکدیگر سودی ایجاد نمی کند، نمی باشند. آنها ادعا می کنند که فعالیت های خود را با ساختار شعب بانک ارتباطی با مشتریان ایجاد می کنند که از آن طریق بانک می تواند سایر خدمات خود را نیز بفروشد. هم اکنون درخواست بعضی کارشناسان برای "جداسازی فعالیت های بانک" مورد اعتنا قرار نمی گیرد و بیشتر بانکیها فعالیت های دیگری را برای اینکه بتوانند رقابت کنند جستجوی نمایند.

ادامه دارد

پی نوشتها:

5-Securitisation

۶) کمیته نظارتی بال کمیته های مرکب از مسئولان نظارتی است که توسط مدیران بانکیهای مرکزی در کشور در سال ۱۹۷۵ تأسیس شد. این کمیته از نمایندگان ارشد مسئولان نظارتی بانکیهای مرکزی بلژیک، کانادا، آلمان، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ، هلند، سوئد، سوئیس، بریتانیا، کبر و ایالات متحده تشکیل شده است. جلسات این کمیته معمولاً در بانک بین المللی تسویه (BIS) در نیویورک برگزار می شود.

7-Holding Company